

اللَّهُمَّ احْمِنا بِالرَّحْمَةِ



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی سیر تطوّر در نثر جلال آل احمد

استاد راهنما:

دکتر محمود مهر آوران

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا موحدی

دانشجو:

زیبا خواش

زمستان ۸۹

تشکر و قدردانی

قلم در سپاسگزاری از همه ی آنان که در راه کسب علم و دانش، یاری و همکاریشان شامل حال این حقیر شده است عاجز است. از خدای متعال که توفیق کسب دانش و معرفت را به من عطا فرمود سپاسگزارم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محمود مهرآوران که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند تشکر و سپاسگزاری می کنم. همچنین از جناب آقای دکتر محمد رضا موحدی به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده اند متشکرم.

و از اساتید دوره ی کارشناسی ارشد آقایان: دکتر نبی لو، دکتر فولادی، دکتر رضایی، دکتر کاردگر، دکتر یوسفی، دکتر حجازی و دکتر اسکندری که در طول این دوره مرهون دانش فراوان، وسعت نظر و عظمت روح همگی آنها بوده ام تشکر و قدردانی می کنم.

چکیده

در نثر نوین فارسی، اگر بتوان از نویسندگانی سخن گفت که سبک‌هایی قابل توجه در ادب فارسی آفریده‌اند، باید از جلال آل احمد به عنوان برجسته‌ترین و نام‌آورترین آن‌ها نام برد. این نویسنده‌ی صاحب سبک ادبیات معاصر، در شیوه‌ی نویسندگی در قلمرو بسیار گسترده‌ای در برهه‌ای از تاریخ ادبیات ما، مرجع تقلید ادبی بوده است. آل احمد، آثار فراوانی در زمینه‌های مختلف ادبی شامل داستان کوتاه و بلند، مقاله، سفرنامه، و... خلق کرده است که این آثار را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرد. نثر این آثار به ترتیب تاریخ و زمان نگارش، از ابتدایی‌ترین آن‌ها تا واپسین اثر سیری را طی کرده است تا به یک تشخیص و تمایز رسیده و سبکی مخصوص را ایجاد کرده است. در این تحقیق چگونگی شکل‌گیری این نثر به همراه ذکر مختصات آن، سیر نویسندگی آل احمد و تغییر و تحولاتی که به تدریج در آثار او به وجود آمده، همچنین تأثیر و بازتاب تحولات فکری آل احمد بر شیوه‌ی نویسندگی اش را بررسی و تحلیل می‌کنیم. چرا که اگر آثار این نویسنده‌ی نوآور را درست پیش روی خود بگذاریم و بدون توجه به علل و مراحل تکامل نثر او، بخواهیم قضاوتی کلی کنیم سردرگم خواهیم شد. باید پای به پای او راه رفته، نقطه‌های عطف ذوق و روح او را در نظر گرفت و عوامل دگرگونی‌های نثر او را دید و بعد قضاوتی کرد. بنابراین در این تحقیق، برای نخستین بار نثر تک تک آثار آل احمد (به استثنای ترجمه‌ها) به صورتی منسجم و یکجا مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: ادبیات معاصر، نثر فارسی، جلال آل احمد، سبک جلال، نثر جلال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه و آشنایی با جلال آل احمد.....
۲	۱-۱ مقدمه.....
۴	۱-۱-۱. سؤال های اصلی تحقیق
۴	۱-۱-۲. فرضیه ها
۴	۱-۱-۳. اهداف تحقیق
۵	۱-۱-۴. اهمیت تحقیق
۵	۱-۱-۵. سابقه و پیشینه تحقیق
۶	۲-۱. آشنایی با جلال آل احمد
۶	۱-۲-۱. زندگی نامه جلال آل احمد
۱۶	۲-۲-۱. آل احمد و ادوار نثر فارسی
۱۹	فصل دوم: آثار آل احمد.....
۲۰	۱-۲. آثار دوره ی گذار
۲۰	۱-۱-۲. دیدو بازدید
۳۲	۲-۱-۲. از رنجی که می بریم
۳۸	۲-۱-۳. سه تار
۴۷	۲-۱-۴. زن زیادی
۶۱	۲-۲. آثار دوره ی تحول
۶۱	۱-۲-۲. اورازان
۶۷	۲-۲-۲. هفت مقاله
۷۴	رمان و داستان بلند

۷۵.....	۳-۲-۲. سرگذشت کندوها.....
۸۲.....	۳-۲. آثار دوره ی کمال
۸۲.....	۱-۳-۲. مدیر مدرسه
۹۹.....	۲-۳-۲. تات نشین های بلوک زهرا
۱۰۵.....	۳-۳-۲. جزیره خارگ، درّ یتیم خلیج فارس
۱۱۲.....	۴-۳-۲. نون و القلم
۱۲۶.....	۵-۳-۲. سه مقاله ی دیگر
۱۳۴.....	۶-۳-۲. غرب زدگی
۱۴۳.....	۷-۳-۲. سفر فرنگ
۱۵۵.....	۸-۳-۲. سفر به ولایت عزرائیل
۱۶۳.....	۹-۳-۲. رساله پولوس رسول به کاتبان
۱۷۱.....	۱۰-۳-۲. سنگی بر گوری
۱۷۷.....	۱۱-۳-۲. ارزیابی شتابزده
۱۸۸.....	۱۲-۳-۲. خسی در میقات
۲۰۵.....	۱۳-۳-۲. سفر روس
۲۱۲.....	۱۴-۳-۲. در خدمت و خیانت روشنفکران.....
۲۲۳.....	۱۵-۳-۲. کارنامه سه ساله
۲۳۴.....	۱۶-۳-۲. سفر آمریکا
۲۴۷.....	۱۷-۳-۲. یک چاه و دو چاله و مثلاً شرح احوالات
۲۵۲.....	۱۸-۳-۲. نفرین زمین
۲۵۹.....	۱۹-۳-۲. پنج داستان
۲۷۰.....	فصل سوم: سبک آل احمد.....
۲۷۱.....	۱-۳. ویژگی های سبک آل احمد
۲۷۱.....	۱-۱-۳. زبان عامیانه
۲۷۲.....	۲-۱-۳. ایجاز.....

۲۷۳ ۳-۱-۳. جایجایی ارکان جمله
۲۷۴ ۴-۱-۳. شکستگی نثر
۲۷۴ ۵-۱-۳. شیوه ی استعمال "واو" ربط
۲۷۵ ۶-۱-۳. تکرار
۲۷۵ ۷-۱-۳. توصیف
۲۷۶ ۸-۱-۳. تشبیه
۲۷۷ ۹-۱-۳. صراحت
۲۷۹ ۲-۳. کلیاتی درباره ی سبک آل احمد
۲۸۳ فصل چهارم: دیدگاه آل احمد
۲۸۴ ۱-۴. جهان نگری آل احمد
۲۸۹ ۲-۴. اعتراف به خطاها
۲۹۱ ۳-۴. انتقاد پذیری
۲۹۳ فصل پنجم: نتیجه گیری
۲۹۸ فهرست منابع و مآخذ

فهرست نمودارها

صفحه

عنوان

نمودار ۱-۲. حذف افعال و روابط در آثار آل احمد..... ۳۰۱

فصل اول

مقدمه و آشنایی با جلال آل احمد

بدون شک جلال آل احمد یکی از مؤثرترین نویسندگان صاحب سبک در ادبیات نوین ایران است. وی در انواع گوناگون ادبی قلم زده است و آثار در خور توجهی در زمینه‌های داستان-نویسی، مقاله‌نویسی، تک‌نگاری (مونوگرافی)، سفرنامه‌نویسی و ترجمه آفریده است و بدین سان خود را در ادب معاصر به عنوان چهره‌ای برجسته و پرتوان معرفی کرده است.

آثار متنوع او را از جنبه‌های گوناگونی می‌توان مورد بررسی قرار داد، همچنانکه نویسندگان و ناقدان زیادی نیز در زمینه‌های مختلف به تحلیل آثار او از جمله آثار داستانی‌اش پرداخته‌اند. در این تحقیق به بررسی سیر نثر آل احمد از ابتدای زمان نویسندگی تا واپسین اثرش پرداخته شده است. بی‌گمان نثر او از ابتدای نگارش در سالهای اولیه‌ی نویسندگی به شیوه‌ای که اکنون به سبک آل احمد معروف است و همگان نام او را در کنار این سبک مشخص می‌شناسند، نبوده است؛ بلکه با پیمودن مسیری در طول چند سال و با نگارش آثاری به زبان ساده و روان و با توصیفاتی روایی به شیوه‌ی هم‌عصران خود، توانسته تجربیاتی در این زمینه کسب کند و بر اثر الفتی که با متون کهن ادبیات فارسی داشته و همچنین آشنایی با ادبیات غرب راهی را در پیش گیرد که در نهایت به سبک شاخص او بیانجامد.

آنچه در این زمینه، از ادبیات کهن بر آل احمد اثر گذاشته به گفته خود او گلستان سعدی و مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری بوده‌اند، که آل احمد سالیان مدیدی این دو کتاب را تدریس می‌کرده و کاملاً با زیر و بم‌های سبکی آنها آشنا بوده و زنده بودن ویژگی‌های آنها و تأثیر

جدّیشان را بر مخاطب اهل فهم درک کرده، بنابراین از آن ممیزه ها در آثارش بهره گرفته است. آل احمد، سخن روز خویش را با ساختار نگارشی گذشته در هم تنیده و معماری خاص خود را در کلام و کتابت آفریده است. آشنایی او با ادبیات غرب نیز به واسطه ی ترجمه‌هایی بوده که از زبان فرانسه انجام می‌داده بخصوص از نویسنده‌ای به نام « لویس فردیناند سلین »^۱ تأثیر پذیرفته و از شیوه ی نگارش او، تا حدی که به کلام خود لطمه نزند و در حد ذوق پسندانه‌ای استقبال کرده است.

در این تحقیق، ضمن تحلیل نثر آل احمد، به بررسی اجمالی زندگی‌اش نیز پرداخته شده است؛ زیرا کاوش در فراز و فرودها و زوایای زندگی این نویسنده در تحلیل نثر او بسیار مؤثر است. زندگی او در آثارش منعکس می‌شد و آثارش در زندگی‌اش تأثیر می‌گذاشت. تجربه‌اش که سرریز می‌شد، به جویبار افکارش می‌ریخت و از آنجا به رود خروشان تجربه ی زندگی‌اش می‌پیوست و این جریان مداوم، در سرزمین اندیشه‌های او پیوسته نهال‌هایی نورسته را آبیاری می‌کرد و به برگ و بر می‌نشاند. سبک هر نویسنده را می‌توان جزئی از شخصیت و یا به بیانی کاملتر « خود » او دانست؛ یعنی شیوه بیان هر کسی نمودار شخصیت و افکار صاحب آن نوع بیان است و سبک و بیان هر نویسنده‌ای جلوه‌گاه، گزارش و ترجمان درون اوست.

در خلال سبک آل احمد و نوع خاص نوشتارش نیز، ویژگی فکری، روحی و اخلاقی‌اش به خوبی نمودار است و نثر او بازتاب اندیشه‌های اوست. سیمین دانشور به نیکویی در این باب می‌نویسد:

« اگر جلال در نوشته‌هایش تلگرافی، حساس، دقیق، تیزبین، خشمگین، افراطی، خشن، صریح، صمیمی، منزّه طلب و حادثه آفرین است، اگر کوشش دارد خانه ظلم را ویران کند، اگر در نوشته‌هایش میان سیاست و ادب، ایمان و کفر، اعتقاد مطلق و بی‌اعتقادی در جدال است، در زندگی روزمره نیز همین طور است.»^۲

همچنین آل احمد از جمله نویسندگانی است که تاریخ پر خشونت و تلاطم عصرشان را در سبک نویسندگی‌شان منعکس می‌کنند و بیانشان ترجمان التهاب‌ها و نوسان‌های روزگارشان

۱. Lousi Ferdinand Celine.

۲. سیمین دانشور، غروب جلال، چاپ اول، تهران: انتشارات آئینه جنوب، ۱۳۸۴، ص ۸-۷

است. او فرزند راستین روزگار خود بوده است. حرکت‌های اجتماعی آن دوره تأثیر عمیقی بر آثار وی نهاده و آثارش منعکس‌کننده‌ی اوضاع جامعه آن روزگاران شده است. بررسی زندگی و افکار آل احمد در این تحقیق، تلاشی است در شناخت بهتر سبک این نویسنده.

۱-۱-۱ سؤال‌های اصلی تحقیق

پرسش‌هایی در زمینه‌ی نثر آل احمد برای پژوهنده این تحقیق پیش آمده بود که انگیزه‌ای شد برای بررسی تحولات آن. از جمله این که:

- ۱- چه ویژگی‌هایی در نثر نخستین آثار آل احمد مشاهده می‌شود؟
- ۲- نثر آل احمد از ابتدا تا انتها چه سیری را طی می‌کند و در هر اثر چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۳- از چه زمانی نثر او دچار تحول شده است؟
- ۴- در مجموع، چه ویژگی‌هایی باعث تشخیص و برجستگی نثر او شده‌اند؟

۱-۱-۲ فرضیه‌ها

- ۱- نخستین آثار آل احمد با زبانی بین‌زبان رسمی و زبان محاوره قرار دارند.
- ۲- نثر آل احمد به ترتیب تاریخ نگارش از خامی به سوی نثری مشخص و دارای سبک پیش می‌رود.
- ۳- نثر آل احمد از اواخر دهه ۳۰ دچار تحول شده است.
- ۴- سادگی، حذف، کوتاهی جملات، پرشتاب بودن از شاخصه‌های اصلی نثر آل احمد است.

۱-۱-۳ اهداف تحقیق

پژوهنده‌ی تحقیق اعتقاد دارد که در بررسی سیر تطور نثر آل احمد تا کنون نوشته‌ای مستند و مدلل که با پرهیز از کلی‌گویی، برتحلیل جزء جزء آثار این نویسنده مبتنی باشد نگاشته نشده است بنابراین لازم به نظر می‌رسید تحقیقی منسجم در زمینه‌ی نثر او در آثار متوالی‌اش و تغییر و تحولاتی که به تدریج در نثر این آثار به وجود آمده است صورت گیرد. تحقیق حاضر بدون ادعای آفرینش اثری بی‌عیب و نقص، تلاشی در این زمینه است.

۱-۱-۴ اهمیت تحقیق

از آنجا که این تحقیق تحول تدریجی نثر مجموعه آثار آل احمد را نشان داده است در شناخت بیشتر شیوه و سبک نویسندگی او و مطالعه ی آثارش از نظر سبک و ویژگی های زبانی ، ادبی و فکری حائز اهمیت است .

۱-۱-۵ سابقه و پیشینه ی تحقیق

درباره ی آل احمد و نوآوری اش در زمینه ی نثر، تا کنون منتقدان و نویسندگان زیادی سخن رانده اند، اما هر کدام تنها به بیان مطالبی کلی و تکراری بسنده کرده اند. آنچه در نوشته های موافقان و مخالفان آل احمد در مورد نثر و سبک او یافت می شود، به نثر دوره ی سوم او اختصاص یافته که آن نیز در مبحثی کوتاه در خلال نوشته های آنان راجع به جنبه های دیگر از آثار آل احمد آمده است.



در بررسی ویژگی های نثر برخی از آثار آل احمد به درصد حذف افعال و روابط در آنها اشاره شده است. در این مورد بخصوص از کتاب «کاوشی در آثار، افکار و سبک نوشتار جلال آل احمد»، نوشته ی «غلامرضا پیروز» استفاده کردم که نویسنده به مستند بودن کار خود اشاره کرده و می گوید: «در این شیوه، نخست از آثار مختلف آل احمد نمونه برداری شد و حذفها- چه حذف با قرینه لفظی و چه حذف بدون قرینه لفظی- از نمونه ها استخراج گردید...».

این نویسنده از مجموعه مقالات «هفت مقاله» ، «سه مقاله دیگر» ، «کارنامه سه ساله» و «ارزیابی شتابزده» به علت تنوع مقالات، و از مجموعه داستانی «پنج داستان» به علت نامشخص بودن تاریخ نگارش داستان های آن ، و سفرنامه های «سفر فرنگ» و «سفر آمریکا» به علت این که در زمان انتشار منبع مذکور هنوز این سفرنامه ها منتشر نشده بوده اند چشم پوشیده است.

۱-۲. آشنایی با جلال آل احمد

۱-۲-۱. زندگی نامه

سید جلال الدین سادات آل احمد ملقب به جلال آل احمد در یازدهم آذر سال ۱۳۰۲ در یکی از محله های قدیمی شهر تهران به نام سید نصرالدین به دنیا آمد:

« نزول اجلالم به باغ وحش این عالم در سال ۱۳۰۲. بی اغراق سر هفت تا دختر آمده ام. که البته هیچ کدام شان کور نبودند. اما جز چهارتا شان زنده نمانده اند. دوتا شان در همان کودکی سر هفت خان آبله مرغان و اسهال مردند و یکی دیگر در سی و پنج سالگی به سرطان رفت. »^۱

آل احمد در خانواده ای سنتی و روحانی رشد کرد. از آنجا که برادر بزرگ تر او به نام محمد-تقی، بنا به برنامه ی پدری برای اتمام تحصیلات حوزوی به حوزه ی نجف کوچ کرده بود و در آن جا رحل اقامت افکنده و از خانواده ی اصلی خود دور شده بود، لذا پدر دیگر نمی توانست به پسر بزرگش همچون جانشین خود نگاه کند. به همین دلیل چشم از او برداشت و جلال را به عنوان جانشین در نظر گرفت. در راستای اجرای همین برنامه، وقتی دبستان خود را تمام کرد، پدر از ادامه تحصیل او جلوگیری نمود و او را به بازار روانه کرد:

« دبستان را که تمام کردم دیگر نگذاشت درس بخوانم که: « برو بازار کار کن. » تا بعد ازم جانشینی بسازد. ومن بازار را رفتم. »^۲

اما او دور از چشم پدر درحالیکه روزها را در بازار به کارهایی مثل ساعت سازی، سیم کشی برق، چرم فروشی و... می گذراند، شب ها به کلاس های شبانه رفت و سرانجام موفق شد دیپلم خود را در سال ۱۳۲۲ دریافت کند:

« همین جوری ها دبیرستان تمام شد. و توشیح "دیپلمه" آمد زیر برگه ی وجودم- در سال ۱۳۲۲- یعنی که زمان جنگ. به این ترتیب است که جوانکی با انگشتری عقیق به دست و سر

۱. جلال آل احمد، یک چاه و دو چاله و مثلاً شرح احوالات، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۶، ص ۶۹

۲. همان، ص ۷۰

تراشیده و نزدیک به یک متر و هشتاد، از آن محیط مذهبی تحویل داده می شود به بلبشوی زمان جنگ دوم بین الملل»^۱

در سال ۲۲ بعد از این که آل احمد دیپلم خود را گرفت و جهان درگیر جنگ جهانی دوم بود پدرش او را برای ادامه ی تحصیلات دینی و آمادگی برای جانشینی خود به بیروت فرستاد. اما او در راه سفر به بیروت، در نجف نزد برادر بزرگش ماند و پس از چندی سرخورده از پدر و برادر راهی تهران شد :

«آن بار به قصد تحصیل در بیروت می رفتم. که آخرین حد نوک دماغ ذهن جوانی ام بود. و از راه خرمشهر به بصره و نجف می رفتم که سپس به بغداد و الخ و ... اما در نجف ماندگار شدم. میهمان سفره ی برادر. تا سه ماه بعد به چیزی در حدود گریزی از راه خانقین و کرمانشاه برگردم. کله خورده و کلافه و از برادر و پدر هردو روی گردان . چرا که در آن سفر دامی دیده بودم در صورت ردا و عبایی ...»^۲

پس از بازگشت از این سفر نخستین نشانه های طغیانش در برابر خانواده مخصوصاً پدر آشکار شد. او انگشتر عقیق را از دست در آورد، هنگام نماز خود را مقید به گذاشتن مهر نمی کرد. به جای مجالس روضه و قرآن به منابر شریعت سنگلجی می رفت و رفت و آمدش به باشگاه کسروی را بیشتر کرده بود:

« نسیم بلوغ و طلب استقلال فردی بر او وزیده بود. هر روز شیوه ی رفتاری بدیع، چون شکوفه ای از وی شکفت. این حرکات تازه ی او، در خانه هضم نمی شد. نگاه ها سؤالات و دلسوزی های بزرگترهای خانه، او را کلافه می کرد. از شرکت در مجامع خانوادگی، در مراسم شب های روضه ی هفتگی و حتی حضور سر سفره ی جمعی خانوادگی امتناع می کرد. برایش سینی صبحانه و غذا را می بردند توی اطاقش. پدر با او سر سنگین شده بود. خواهران کنجکاوانه به زود رفتن ها و دیر آمدن هایش حسرت می خوردند. مادر، یکسره از فهم و درک بروزات بلوغ عقلی پسر عاجز بود و به جای هر تدبیری به گونه ای مادرانه و مزاحم، خدمات و مواظبت هایش را نسبت به او افزوده بود. خدا عالم است که چقدر غصه خورد و چقدر التماس کرد تا جلال

۱. همان .

۲. جلال آل احمد، کارنامه ی رساله، چاپ اول، تهران: انتشارات زمان، ۱۳۴۶، ص ۶۷

حاضر شود صبح های زمستان، از شکستن یخ حوض خانه و استحمام و غسل در آن هوای سوزدار صرف نظر نماید. و به استحمام در اطاقش، با پارچی آب گرم و حوله ای که در آن خیس می کرد و به تن می کشید بسنده کند. اما آخرش هم تا در خانه ی پدری بود به خوردن حیوانی رضا نداد و گیاه خواری را ترک نگفت. دامادمان سر به سر جلال می گذاشت و صدایش می کرد. سید جوکی!»^۱

آل احمد با عقاید یکی دو تن از شخصیت های تأثیرگذار زمانه آشنا شده بود؛ یکی "شریعت سنگلجی" که در آن زمان بسیار مورد علاقه ی جوانان بود و به بسیاری از ظواهر دینی به دیده ی شک و تردید می نگریست، و دیگری "احمد کسروی" که از طرفی بسیاری از اعتقادات دینی را نمی پذیرفت و از طرف دیگر با اروپایی گری درافتاده بود. افکار این دو گرچه بعدها مورد نقد آل احمد قرار گرفت اما تا پایان عمر تأثیراتی بر تفکرات او داشت.

آشنایی با این دو شخصیت باعث شد آل احمد به همراه عده ای از دوستان خود انجمنی به نام "انجمن اصلاح" تأسیس کنند. هدف اصلی انجمن اصلاح آن بود تا با بررسی نظرات احزاب و متفکرانی که در آن دوره بسیار زیاد بودند، حقیقت را تشخیص داده، در نهایت به یکی از آن احزاب بپیوندند.

در راستای نفوذ و تأثیر گذاری سنگلجی و کسروی بر آل احمد می توان به اولین ترجمه ی او به نام «عزاداری های نامشروع» اشاره کرد. این کتاب در واقع رساله ی کوچکی بود از «سید محسن عاملی» از علمای بزرگ شیعه ی لبنان در نفی و طرد پاره ای از اعمال که در عزاداری های شیعیان انجام می شود. اما سرنوشت این کتاب بعد از چاپ جالب توجه بود:

«جزوه ای ترجمه کرده بودم از عربی به اسم "عزاداری های نامشروع" که سال ۲۲ چاپ شد و یکی دو قران فروختم و دو روزه تمام شد و خوش و خوشحال بودیم که انجمن یک کار انتفاعی هم کرده. نگو که بازاری های مذهبی همه اش را چکی خریده اند و سوزانده.»^۲

و سرانجام آل احمد در سال ۱۳۲۳ به حزب توده ی ایران پیوست. با انتخاب حزب توده و پیوستن به آن، معتقدات مذهبی را کنار می گذارد و ظاهراً "از شرّ هرگونه چون و چرا و اصلاح

۱. شمس آل احمد، از چشم برادر، چاپ اول، قم: انتشارات کتاب سعدی، ۱۳۶۹، ص ۳۴۶

۲. همان، ص ۷۰

در آن‌ها آسوده می‌شود. پیوستن آل احمد به حزب توده نتیجه‌ی بررسی‌هایی بود که او و دوستانش در «انجمن اصلاح» از احزاب می‌کردند و وظیفه‌ی آل احمد سرکشی به این حزب بود:

«هر کدام مأمور یکی‌شان بودیم و سرکشی می‌کردیم به حوزه‌ها و میتینگ‌هاشان و من مأمور حزب توده بودم و جمعه‌ها بالای پسرقلعه و کلک چال مناظره و مجادله داشتیم که کدامشان خادمند و کدام خائن و چه باید کرد و از این قبیل... تا عاقبت تصمیم گرفتیم که دسته‌جمعی به حزب توده بپیوندیم، جز یکی دوتا که نیامدند. و این اوایل سال ۱۳۲۳.»^۱

پس از پیوستن آل احمد به حزب توده، او برای همیشه خانه‌ی پدری را ترک کرد:

«جلال ۲۲ ساله بود که از خانه‌ی پدری رفت. وقتی پدرم سفر بود. بعد از ظهر یک روز تابستانی گاری آورد و به کمک من، کتاب‌هایش را در یک جعبه‌ی چوبی جمع کردیم... بر عقاید پدر شوریده بود. و پدر از این شورش چنان ضربه‌ای دید که تا مدت‌ها از «عتبات» بازنگشت.»^۲

همزمان با ورود به حزب توده آل احمد موفق شد به دانشسرای عالی (دانشکده ادبیات) راه یابد و بعد از سه سال در سال ۱۳۲۵ با مدرک لیسانس از آن‌جا فارغ‌التحصیل شد. در سال ۲۶ نیز به استخدام آموزش و پرورش در آمد. در همین سال‌ها آل احمد به نوشتن داستان کوتاه روی آورد. او یکی از داستان‌های کوتاه خود را با نام «زیارت» برای مجله‌ی «سخن» که در آن زمان با مدیریت پرویز ناتل خانلری منتشر می‌شد فرستاد و صادق هدایت که مسئول انتخاب قصه برای آن مجله بود، این داستان را پسندید. خانلری از آل احمد دعوت کرد به دفتر مجله برود و همکاری بیشتری با آن‌ها داشته باشد. در اسفند ۱۳۲۴ اولین مجموعه‌ی داستان کوتاهش را به نام «دید و بازدید» منتشر کرد.

«اولین قصه‌ام در "سخن" درآمد. شماره‌ی نوروز ۲۴. که آن وقت‌ها زیر سایه‌ی «صادق هدایت» منتشر می‌شد و ناچار همه‌ی جماعت ایشان گرایش به چپ داشتند و در اسفند همین سال

۱. همان، صص ۲-۷۱

۲. شمس آل احمد، گاهواره، چاپ دوم، تهران: انتشارات آبان، ۱۳۵۴، ص ۱۰۵

« دید و بازدید» را منتشر کردم؛ مجموعه ی آنچه در «سخن» و «مردم برای روشنفکران» هفتگی در آمده بود. ^۱

عضویت آل احمد در حزب توده چهار سال به طول انجامید و به قول خودش:

« در حزب توده در عرض چهار سال از صورت یک عضو ساده به عضویت کمیته ی حزبی تهران رسیدم و نمایندگی کنگره. و از این مدت دوسالش را مدام قلم زدم. در "بشر برای دانشجویان" که گرداننده اش بودم و در مجله ی ماهانه ی "مردم" که مدیر داخلی بودم. و گاهی هم در "رهبر"... از اوایل ۲۵ مأمور شدم که زیر نظر طبری "ماهانه ی مردم" را راه بیندازم. که تا هنگام انشعاب ۱۸ شماره اش را در آوردم. حتی شش ماهی مدیر چاپخانه ی حزب بودم. چاپخانه "شعله ور" ^۲

در همین سال های عضویت در حزب توده، آل احمد یک مجموعه ی دیگر از داستان های کوتاهش را به نام «از رنجی که می بریم» منتشر کرد:

«به اعتبار همین چاپخانه ای در اختیار داشتن بود که "از رنجی که می بریم" درآمد. اواسط ۱۳۲۶. حاوی قصه های شکست در آن مبارزات و به سبک رئالیسم سوسیالیستی!» ^۳

در آذر ماه ۱۳۲۶ جلال به همراه گروهی دیگر به رهبری خلیل ملکی از حزب توده انشعاب کرد. دلایل انشعاب و سرخوردگی آل احمد از حزب توده زیاد است. از جمله خود او می نویسد: «برای خود من «اما» روزی شروع شد که مأمور انتظامات یکی از تظاهرات حزبی بودم که به نفع مأموریت «کافتارادزه» برای گرفتن نفت شمال راه انداخته بودیم. (سال ۲۳ یا ۲۴ ؟) از در حزب (خیابان فردوسی) تا چهار راه مخبرالدوله با بازوبند انتظامات چه فخرها که به خلق نفروختم؛ اما اول شاه آباد چشمم افتاد به کامیون های روسی پر از سرباز که ناظر و حامی تظاهر ما کنار خیابان صف کشیده بودند که یک مرتبه جا خوردم و چنان خجالت کشیدم که تپیدم توی کوچی سید هاشم و بازوبند را سوت کردم و بعد قضیه ی سراب پیش آمد و بعد کشتار زیر پل چالوس و بعد قضیه ی آذربایجان و بعد دفاع حزب از اقامت قوای روس و بعد شرکت حزب در کابینه ی قوام و بعد...دیگر قضایا که به انشعاب کشید.» ^۴

۱. جلال آل احمد، یک چاه و دوچاله، ص ۷۳

۲. همان، ص ۳-۷۲

۳. همان، ص ۷۳

۴. جلال آل احمد، در خدمت و خیانت روشنفکران، چاپ اول، تهران: انتشارات مجید، ۱۳۸۷، ص ۳۴۷

پس از انشعاب، آل احمد به همراه خلیل ملکی و دیگران دست به تأسیس حزبی جدید به نام «حزب سوسیالیست توده ی ایران» زدند. اما به دلیل انواع حملات مطبوعاتی حزب توده و به خصوص حمله ی رادیو مسکو به این حزب نوپا، بیش از دو ماه دوام نیاورد و منحل شد.

پس از انشعاب، آل احمد چند سالی از سیاست و کارهای حزبی فاصله گرفت. و به قول خودش «به قصد فنارسه یاد گرفتن» چند اثر را از این زبان ترجمه کرد. از «ژید» و «کامو» و «سارتر»، و نیز از «داستایوسکی». همچنین در این دوره ی سکوت، سومین مجموعه ی داستان کوتاه خود را با نام «سه تار» در سال ۱۳۲۷ منتشر کرد.

آل احمد در سال ۱۳۲۸ با سیمین دانشور ازدواج کرد:

«هم در این دوره است که زن می گیرم. وقتی از اجتماع بزرگ دست کوتاه شد، کوچکش را در چاردیواری خانه ای می سازی. از خانه ی پدری به اجتماع حزب گریختن و از آن به خانه ی شخصی. و زنم سیمین دانشور است که می شناسید. اهل کتاب و قلم و دانشیار رشته ی زیبایی شناسی و صاحب تألیف ها و ترجمه های فراوان. و در حقیقت نوعی یار و یاور این قلم. که اگر او نبود چه بسا خزعبلات که به این قلم درآمده بود. (و مگر در نیامده؟). از ۱۳۲۹ به این ور هیچ کاری به این قلم منتشر نشده که سیمین اولین خواننده و نقادش نباشد.»^۱

پس از این دوران، آل احمد بار دیگر به دنیای سیاست روی آورد و سه سال دیگر (از ۲۹ تا ۳۲) به فعالیت حزبی و سیاسی پرداخت.

« و اوضاع همین جورها هست تا قضیه ی ملی شدن نفت و ظهور جبهه ی ملی و دکتر مصدق. که از نو کشیده می شوم به سیاست. و از نو سه سال دیگر مبارزه. در گرداندن روزنامه های "شاهد" و "نیروی سوم" و مجله ی ماهانه ی "علم و زندگی" که مدیرش ملکی بود. علاوه بر اینکه عضو کمیته ی نیروی سوم و گرداننده ی تبلیغاتش هستم که یکی از ارکان جبهه ی ملی بود. و باز همین جورهاست تا اردیبهشت ۱۳۳۲ که به علت اختلاف نظر با دیگر رهبران نیروی سوم، از شان کناره گرفتم. می خواستند ناصر وثوقی را اخراج کنند که از رهبران حزب بود؛ و با همان

۱. جلال آل احمد، یک چاه و دوچاله و مثلاً" شرح احوالات، ص ۷۴

«بریا» بازی ها. که دیدم دیگر حالش نیست. آخر ما به علت همین حقه بازی ها از حزب توده انشعاب کرده بودیم. و حالا از نوبه سرمان می آمد. ^۱

در این سال ها، آل احمد ابتدا به «جبهه ی ملی» پیوست و سپس «حزب زحمتکشان ایران» به وسیله ی گروهی از انشعاییون حزب توده تأسیس گردید. مشی اولیه ی این حزب که گرایش سوسیالیستی داشت حمایت از نظریه ی دکتر مصدق در ملی شدن صنعت نفت و مخالفت با حزب توده بود. اما بعد از چندی این مشی تغییر یافت و از در مخالفت با مصدق درآمد که ملکی و آل احمد و تعدادی دیگر به دلیل مخالفت با آن ها از حزب اخراج شدند. پس از جدایی از حزب زحمتکشان، ملکی و آل احمد حزب «نیروی سوم» را تأسیس نمودند. اما پس از چندی آل احمد از این حزب هم کناره گرفت و برای همیشه از کار حزبی و فعالیت علنی سیاسی کناره گیری نمود. ولی تا آخر عمر هیچ گاه از قلم زدن و تفکر در مورد سیاست دست نکشید.

در این دوره آل احمد چهارمین مجموعه ی داستان کوتاه خود را با نام «زن زیادی» در سال ۱۳۳۱ منتشر کرد. همچنین در همین سال ۳۱ ترجمه ی نمایش نامه ی «دست های آلوده» از سارتر را منتشر کرد و بعد در سال ۳۳ نیز سفرنامه ی «بازگشت از شوروی» از آندره ژید را ترجمه و منتشر نمود.

پس از انشعاب از «نیروی سوم» آل احمد به انزوا کشیده شد و حتی از ماجرای ۲۸ مرداد نیز آگاه نشد^۲ و این انزوا ادامه یافت تا اینکه در سال ۳۲ ساواک آل احمد را به زندان افکند و تعهدی از او گرفت که این حالت را تشدید کرد.

« آن بار چند ساعتی بیشتر در زندان نماندیم [شمس آل احمد، جلال آل احمد، عیسی اسماعیل زاده] سیمین در غیاب ما به تقلاً افتاده بود و... موفق شده بود همان شب آزادمان کند... شرط آزادی ما دو خط تعهدی بود که از جلال می خواستند. و جلال نوشته بود: "از اردیبهشت ماه ۱۳۳۲، سیاست را بوسیده ام و گذاشته ام کنار" تعهدی که فردای آن روز (عصر ۱۴ آبان ماه ۱۳۳۲) در

۱. همان، صص ۵-۷۴

۲. جلال آل احمد، نامه های جلال آل احمد (به کوشش علی دهباشی)، چاپ اول، تهران: نشر افست گرافیک، ۱۳۸۷، ص ۸۵